

خلاصه اجرایی

"صبح زود، هنگام که من در خانه بودم، این حادثه اتفاق افتاد. دخترم و دو تا دختر برادرم در حال رفتن به سوی مدرسه بودند تا دروس ابتدایی اسلامی را از استاد دروس دینی شان فرا بگیرند. وقتی که آنها صبح زود خانه را ترک گفتند، من دیدم که آنها قرآن مقدس را در دستهای شان گرفته بودند. آنها واقعاً دختران خوشحالی بودند و همیشه بمن می گفتند که دوست دارند دکتر شوند تا برای هم وطنانش بخصوص والدینش خدمت کنند. بعد از انفجار ماین(مواد انفجاری تعبیه شده)، مشاهده نمودم که دختر محبوبم و دختران برادرم مجروح گردیده اند. ما آنها را در شفاخانه انتقال دادیم اما زخمهای یکی از دختران برادرم خیلی شدید بود و در اثر زخمهای شدید، دار فانی را وداع گفت. آن دوتای دیگر که زنده مانده بودند، در باره مقتول از من سوال می کردند، من به آنها می گفتم که آن خوب است و حالا در خانه می باشد. مگر حقیقت اینست که مقتول بیشتر از این در کنار آنها نخواهد بود، آنها بعد از این در کنارهم بازی خواهند کرد و با هم در مکتب خواهند رفت. این اطفال هیچ سهمی در جنگ جاری نداشتند، در هر نفس آنها امیدواری های برای آینده شان نهفته بودند اما این جنگ بی فایده رویاها، خیالها و زندگی آینده آنها را گرفتند."

یک بزرگ قوم و پدر از ولایت خوست، کشته شدن و مجروح شدن دختر و دختران برادرش را در نتیجه انفجار ماین جاسازی شده در 15 مارچ 2011، که 10، 10 و 12 سال عمر داشتند، شرح می دهد.¹

منازعات مسلحانه در افغانستان در شش ماه اول سال 2011 یک تأثیر ترسناک و چشم انداز اسفناک را برای افراد ملکی مصور نموده است. همان طوریکه جنگ در مناطق معمولاً جنگی جنوب و جنوب شرق شدت یافته است و روند متحرکی را به سوی ولسوالی های غرب و شمال می پیماید، افراد ملکی در ارتباط به محافظت شان حرکت نزولی را تجربه می نماید. در عین زمان نیروهای مخالف دولت تاکتیکهای جنگی شان را تغییر داده و این تغییر، نتایج مهلکی را بجا مانده است. نیروهای مخالف دولت به شدت از وسایل جنگی غیر قانونی استفاده نموده که استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده را نیز شامل میگرددد، بخصوص مواد انفجاری که با لمس کردن قربانی شان با اندک فشاری منفجر می گردد، مانند ماین های زمینی ضد پرسنل عمل می کند و بین قربانیان تمیزی قایل نمی گردد که با گام گذاشتن هرکسی و یا گذشتن هر نوع وسایل نقلیه ای بر آن، منفجر می گردد.

¹. هیأت معاونت ملل متحد به تعقیب انفجار مواد منفجره در 15 مارچ 2011 در ولایت خوست، با پدر و کاکای قربانیان صحبت نمودند. در 15 مارچ 2011، در ولسوالی نادرشاه کوت ولایت خوست، مواد منفجره تعبیه شده انفجار نمود که در اثر آن یک دختر زیر سن که شاگرد مکتب بود کشته شد و دوتا دختر دیگر با عین مشخصه مجروح گردیدند.

قتلهای هدفمند، ترور افراد ملکی بلند پایه و حملات برمکان های ممنوعه ای حفاظت شده مانند حمله بر شفاخانه ها توسط طالبان صورت می گیرد.¹

این تاکتیکهای جنگی حقوق اولیه افغان ها را برای زندگی و اصول تمیز، تناسب و احتیاط حقوق بشردوستانه بین المللی را نقض می نماید. اصول که تمام اطراف درگیر که شامل نیروهای مخالف دولت، نیروهای امنیتی افغان و نیروهای نظامی بین المللی می باشند را ملزم می دارد تا قتل و جرح افراد ملکی را به حد اقل رسانند. در وسط سال 2011، هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان یک بار دیگر بر ضرورت مبرم افزایش محافظت افراد ملکی و مد نظر گرفتن معیارهای ضروری جهت محافظت افراد ملکی به شکل فوری تأکید می نماید.

هیأت معاونت ملل متحد در شش ماه اول سال 2011، مرگ 1462 فرد ملکی را به ثبت رسانیده است. که این رقم 15 درصد افزایش را نسبت به عین مدت در سال 2010 نشان می دهد.² وقایع اصلی که منجر به افزایش تلفات افراد ملکی در نیمه اول سال 2011 گردید، همانا استفاده گسترده از مواد انفجاری تعبیه شده (ماین ها)، حملات انتحاری مرکب، کمپاین گسترده ترور، افزایش جنگهای زمینی و افزایش تلفات افراد ملکی ناشی از حملات هوایی بخصوص حملات هلی کوپترهای آپاچی می باشد.³

¹. میثاق منع استفاده، ذخیره، تولید و انتقال ماین ضد پرسنل و تخریب آن ماین ها، 18 سپتمبر 1997: استفاده، تولید، انتقال و انباشتن مواد منفجره ضد پرسنل که با تماس قربانی واکنش نشان می دهد، بر اساس معاهده منع ماین ممنوع اعلام گردیده است. افغانستان یکی از اعضای معاهده منع استفاده از ماین می باشد. مواد انفجاری تعبیه شده ای که در اثر فشار منفجر می گردد، بین اهداف نظامی و غیر نظامی تمیزی قایل شده نمی تواند و همچون سلاح ها از جمله سلاح ها و وسایل جنگی ممنوعه تلقی می گردد. در سال 1998، طالبان استفاده، تولید، تجارت و ذخیره نمودن ماین های زمینی ضد نفر را منع کرد. به اعلامیه مطبوعاتی امارت اسلامی افغانستان در مورد مشکلات ماین های زمینی مراجعه گردد، 6 اکتوبر 1998. همچنان به پاورقی 47 مراجعه گردد.

². هیأت معاونت ملل متحد در شش ماه اول سال 2011، به تعداد 2144 فرد ملکی مجروح را به ثبت رسانیده است. مجموع تلفات افراد ملکی 3606 نفر می باشد که ازین رقم، 1462 کشته و 2144 مجروحین را تشکیل می دهد که در مقایسه شش ماه اول سال 2010، 10 درصد افزایش یافته است.

³. به اساس یاد داشت های دپارتمنت امنیت و مصونیت سازمان ملل متحد، از 2003 به این طرف که اولین بار حوادث امنیتی به ثبت رسیده بود، نیمه اول سال 2011، با 11826 حادثه شاهد بلند ترین رقم حوادث امنیتی

از مجموع کشته شده گان افراد ملکی 80 درصد آن به نیروهای مخالف دولت منسوب هست که 28 درصد نسبت به عین مدت سال 2010، افزایش یافته است، 14 درصد به نیروهای دولت و همکاران بین المللی شان نسبت داده شده که نسبت به عین مدت سال 2010، 9 درصد پایین آمده است و 6 درصد دیگر به هیچ یکی از طرفین به شکل مشخص نسبت داده نمی شود.

مواد منفجره و حملات انتحاری یعنی تاکتیکهای که توسط نیروهای مخالف دولت استفاده می گردد تقریباً نصف کشته شده گان و زخمی ها (49 درصد) از مجموع تلفات افراد ملکی را تشکیل می دهد. افراد کشته شده توسط مواد منفجره جاسازی شده نسبت به عین مدت سال 2010، 17 درصد افزایش یافته است و این تاکتیک به شکل منحصر به فرد بزرگترین قاتل افراد ملکی در شش ماه اول سال 2011 بوده است. مواد منفجره جاسازی شده 444 فرد ملکی را کشته که 30 درصد مجموع کشته شده گان را در افغانستان تشکیل داده و 38 درصد مجموع کشته شده گان که به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود را تشکیل می دهد.

از دیدگاه هیأت معاونت ملل متحد، مواد انفجاری تعبیه شده مانند مواد انفجاری که بشقاب مانند هست و با فشار منفجر می گردد، درحقیقت یک ماین زمینی دست ساخته است، بخاطریکه آنها طوری طرح و پیکربندی شده اند تا مانند ماین های زمینی ضد پرسنل عمل نماید و اثر شان مثل ماینهای زمینی ضد پرسنل می باشد. مواد انفجاری که با آوردن فشار منفجر می گردد و توسط نیروهای مخالف دولت در افغانستان استفاده می گردد طوری تنظیم شده است که هنگام برآنها با وزن بین 10 و 100 کیلو گرام با قدم گذاشتن و یا عبور نمودن وسایل حمل و نقل فشار آورده شود، منفجر میگردد. در افغانستان تعداد زیاد از مواد انفجاری تعبیه شده ای که با آوردن فشار منفجر می گردد، تقریباً 20 کیلوگرام از مواد منفجره را دارا می باشد، یعنی بیشتر از دو برابر نسبت به ماین های معیاری ضد تانک ولی با آوردن وزن که بر ماین ضد پرسنل وارد می شود، منفجر می گردد. در نتیجه ای این نوع طرح و پیکربندی، هر یکی از این نوع ماین ها بحيث یک ماین قویی زمینی و ضد پرسنل تلقی گردیده و با قدرت کافی برای خراب نمودن یک تانک، کار می دهد. آن افراد ملکی که براین نوع ماینها قدم میگذارد و یا با وسایل نقلیه برآن عبور می نماید هیچ دفاعی در مقابل آن نداشته

بوده که در نیمه اول سال 2010، 8242 و در نیمه اول سال 2009، 5095 حادثه به ثبت رسیده بود. بخشهای جنوب و جنوب شرق 64 درصد از حوادث را بخود اختصاص داده که تقریباً دو سوم تمام حادثات را شامل می گردد. هرچند که نرخ صعود ماهانه حادثات در حوزه غرب با 35 درصد بلند ترین سطح را بخود اختصاص داده است. نبرد مسلحانه و انفجار مواد انفجاری تعبیه شده، 71 درصد از تمام حوادث ثبت شده را تشکیل می دهد. دیارتمت امنیت و مصونیت سازمان ملل متحد بلند ترین رقم حوادث امنیتی را در مقایسه ای تمام ماه ها، برای ماه جون به ثبت رسانیده است.

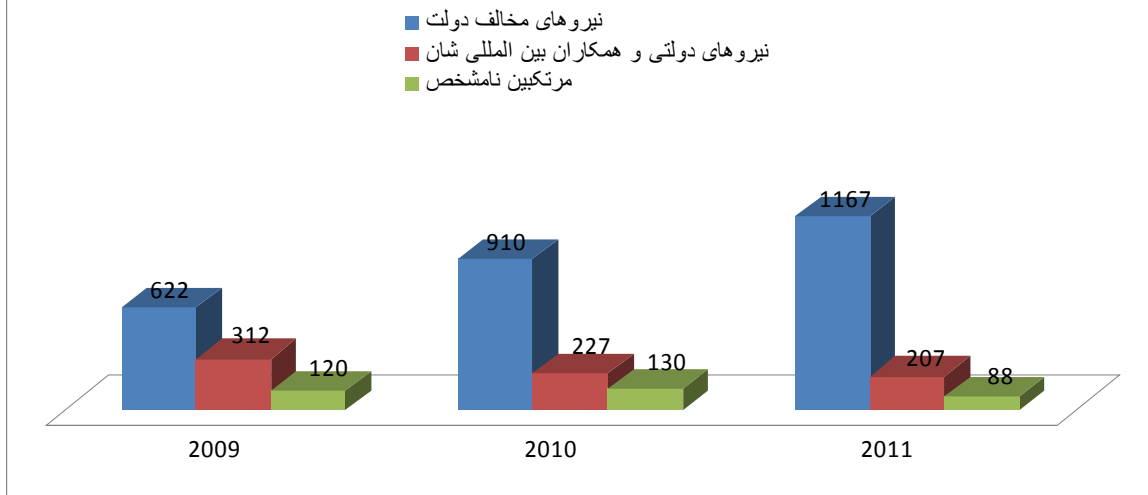
و چانس اندک برای نجات میداشته باشد. از مواد انفجاری تعبیه شده ای که توسط نیروهای مخالف دولت در افغانستان استفاده می شود تقریباً دوسوم آن را ماین های تشکیل می دهد که با آوردن فشار منفجر می گردد.¹ ماه جون 2011، بلند ترین رقم حملات توسط مواد انفجاری تعبیه شده را بخود اختصاص داده که آیساف تا هنوز این نوع آمار بلند را در هیچ ماه در افغانستان به ثبت نرسانده بود.

در شش ماه اول سال 2011، حملات انتحاری 276 فرد ملکی را کشته اند که 19 درصد مجموع کشته شده گان افراد ملکی و 24 درصد مجموع کشته شده گان که به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود را تشکیل می دهد. هرچند که ارقام حملات انتحاری با مقایسه سال گذشته تقریباً در سطح مشابه قرار دارند، کشته شدن افراد ملکی توسط حملات انتحاری در مقایسه با تاکتیک های دیگر شاهد افزایش وسیع بوده که در مقایسه عین مدت در سال گذشته 52 درصد افزایش یافته است. حملات انتحاری بیشتر به شکل مرکب که غالباً از چندین انتحاری به شکل حملات غیر معمولی استفاده می شد، صورت می گرفت که در نتیجه آن تعداد زیادی از افراد ملکی کشته شدند.

ترور افراد ملکی همان طوریکه در سال گذشته میزان بالای را داشت، در شش ماه اول سال جاری نیز به همان منوال ادامه داشت. با این نوع حملات، اعضای شورای ولایتی، والی ها، ولسوال ها، رییس های پولیس، اعضای شورای عالی صلح و کمیته های آن، بزرگان قوم و جنگجویان که میدان جنگ را ترک گفته و تلاش می نمودند تا با جامعه بی پیوندند، مشخصاً مورد هدف قرار می گرفتند. از ماه جنوری تا جون 2011، بر اساس کشفیات هیأت معاونت ملل متحد، 190 فرد ملکی به شکل هدفمند ترور گردیده که در سال گذشته در عین مدت به تعداد 181 فرد ملکی ترور گردیده بود.

¹. مصاحبه هیأت معاونت ملل متحد با دفتر ضد مواد انفجاری تعبیه شده ای آیساف در 10 جولای 2011. بر اساس گفته های آنها در 12 ماه آخر آیساف و نیروهای امنیتی افغان به تعداد 20000 حلقه مواد انفجاری تعبیه شده را از بین برده، در مورد 13000 هزار آن معلومات تخنیکی بدست آورده و آزمایش نمودند که 65 درصد از مجموع آنها که از بین رفته را تشکیل می دهد. از آن تعداد مواد انفجاری که مورد بررسی قرار گرفته، 69 درصد آن را ماین های تشکیل می داد که با تماس قربانی اش منفجر می گردد، که 90 درصد آن از طرح های ماین های که با فشار منفجر می گردد، استفاده شده بود. به پاورقی 48 نیز مراجعه گردد.

افراد ملکی کشته شده در افغانستان در شش ماه اول سال 2011



حملات هوایی پیشگام بودن خودش را در قتل افراد ملکی حفظ نموده است. تمام حملات هوایی¹ در افغانستان توسط نیروهای بین المللی کمک امنیت صورت گرفته است. در شش ماه اول سال 2011، به تعداد 79 فرد ملکی کشته شده به حملات هوایی نسبت داده می شود که در مقایسه عین مدت سال 2010، 14 درصد افزایش نموده است. دلیل افزایش قتل افراد ملکی در اثر حملات هوایی ظاهراً همانا استفاده از هلی کوپترهای آپاچی هست. در تمام سال 2010، 33 درصد از مجموع کشته شده گان حملات هوایی به هلی کوپترهای آپاچی نسبت داده می شد یعنی 56 نفر از 171 فرد ملکی مقتول. در شش ماه اول سال 2011، افراد ملکی که در اثر حملات هلی کوپترهای آپاچی کشته شده 56 درصد از مجموع کشته شده گان منسوب به حملات هوایی را تشکیل می دهد یعنی 44 نفر از 79 فرد مقتول.²

تلفات افراد ملکی در نتیجه جنگهای زمینی و نبرد مسلحانه در جریان شش ماه اول سال 2011، افزایش یافته است. از اثر جنگهای زمینی بین نیروهای دولت و همکاران بین المللی شان و عناصر مخالف دولت 304 فرد ملکی کشته و 354 نفر دیگر زخمی گردیده اند که در مقایسه سال 2010، کشته شده گان 36 درصد و مجموع تلفات یعنی کشته و مجروح 8 درصد افزایش را نشان می دهد. قتل 188 فرد ملکی ناشی

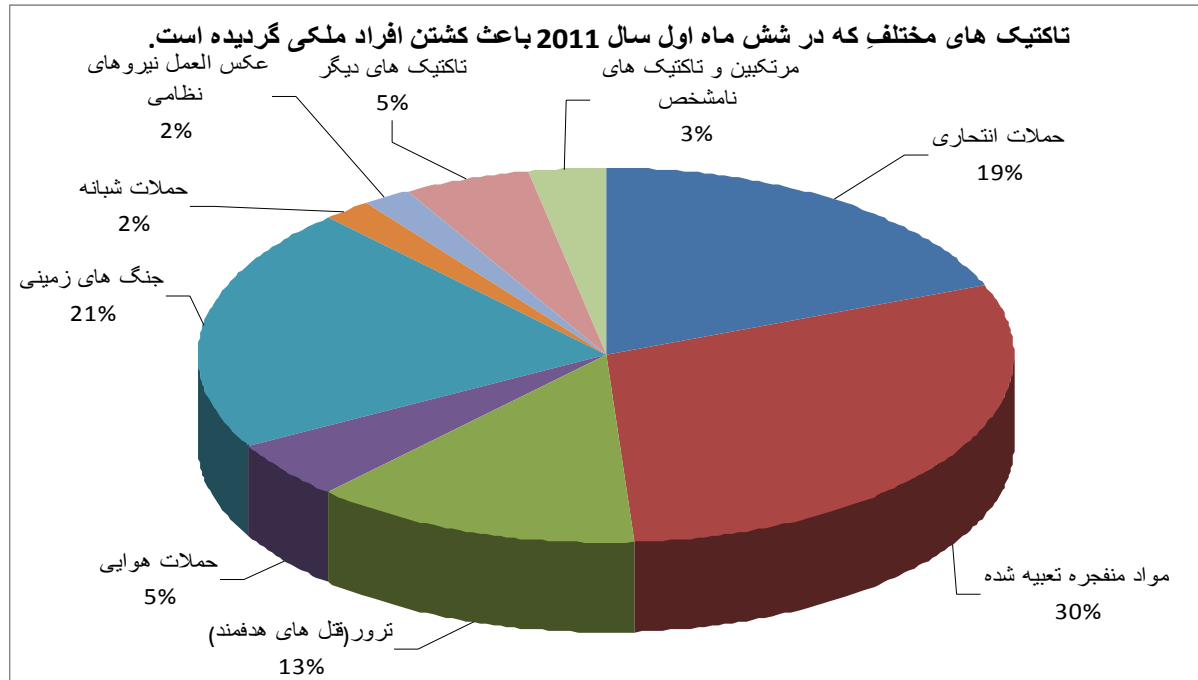
¹. حملات هوایی: تمام حملات هوایی که از طیاره های نظامی صورت می گیرد را شامل می شود. مانند جنگ افزار که از طیاره، هلی کوپتر و طیاره های بی سرنشین فیر و پرتاب می گردد.

². به تاریخ 5 جون 2011، در یک جلسه ای با اداره ردیابی تلفات افراد ملکی آیسفاف، حقوق بشر سازمان ملل متحد اطلاع یافت که آیسفاف برای مأموریت حمایت از جنگ های زمینی از هلی کوپترهای آپاچی (اچ-64) چنانچه در این گزارش تذکر یافته استفاده می کند.

از جنگ‌های زمینی به نیروهای مخالف دولت، مرگ 66 فرد ملکی به نیروهای دولتی و همکاران شان نسبت داده شده و 50 فرد ملکی در اثر فیرهای متقابل کشته شده اند.

دو درصد مجموع تلفات افراد ملکی در نتیجه حملات شبانه اتفاق افتاده است که بامقایسه عین مدت سال 2010، اندکی کاهش یافته است.¹ بر اساس کشفیات هیأت معاونت ملل متحد در جریان حملات شبانه 30 فرد ملکی کشته و 14 فرد ملکی مجروح گردیده اند. رنجش ناشی از این نوع حملات در میان مردم افغانستان روند صعودی داشته، تظاهرات های خشونت آمیز به تعقیب بعضی از حملات شبانه منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است. به حیث نمونه حادثاتی که بعد از حملات شبانه در ولایت ننگرهار، شهر کندهار و شهر تالقان اتفاق افتاد، تظاهرات خشونت آمیز جهت اعتراض بر همچون حملات شبانه اتفاق افتاد که پولیس بر جمع از مردم آتش گشود و افراد ملکی کشته و زخمی گردیدند.

¹. به نوشته گال کارلوتا تحت عنوان "حملات شبانه برای طالبان محدودیت ایجاد کرده اما افغان ها می گویند که این تاکتیک باعث تلفات افراد ملکی می گردد" مراجعه گردد. نیویورک تایمز، 8 جولای 2011. به مقامات ناتو و افغان گفته شده که میانگین حملات شبانه در هر ماه 300 حمله می باشد. به اساس کشفیات هیأت معاونت ملل متحد این مشکل است که یک رقم خیلی موثق از حملات شبانه بدست داشته باشیم بخاطریکه گروه های بی شماری مانند آیساف، اردوی ملی افغانستان، نیروهای ویژه داخلی و خارجی و پولیس مرزی افغانستان گاهی بطور مستقل و گاهی مشترک بدون شفافیت، به شکل فراوان و در حوزه وسیع همچون حملات را انجام می دهد. هیأت معاونت ملل متحد از آیساف بطور مکرر در مورد ارقام حملات شبانه و تلفات افراد ملکی ناشی از این تاکتیک درخواست نموده اما آیساف بیان نموده که این رقم سری و محرمانه می باشد. یوناما حملات شبانه را که تلفات افراد ملکی را نیز به دنبال داشته بر اساس محدودیت ها در محیط عملیاتی و دست رسی محدود به معلومات بطور کامل گزارش داده نتوانسته است.



بالا رفتن تلفات افراد ملکی نمایانگر عمق بیشتر خشونت ها در زندگی روزانه افراد ملکی می باشد.¹ با توجه به مسؤلیت انتقال امنیت از نیروهای بین المللی به نیروهای دولتی افغان در بخش های متعدد کشور در ماه جولای، خشونت افزایش یافته چون شورشیان تلاش می نمایند تا با افزایش خشونت ها و حملات نشان دهد که نیروهای امنیتی افغانستان امنیت را تأمین کرده نمی تواند. علاوه بر گروه های مسلح مختلف وجود دارد که تلاش می نمایند تا برنامه صلح و مصالحه را تخریب نمایند، جریان رو به رشد خشونت و خونریزی در شش ماه اول سال 2011، قتل و جرح را در سطح بی سابقه ای در روند درگیریهای کنونی برای افراد ملکی افغان به ارمغان آورده است.

علاوه بر بخاطر تغییر در تاکتیک جنگی، ساحات جدید توسط نیروهای خلف دولت در شش ماه اول سال 2011، مورد حمله قرار گرفتند. هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان، اولین قضایای حمله بر دو شفاخانه را به شکل مستند به ثبت رسانیده که اساساً این مکان ها بر مبنای حقوق بین المللی بشر دوستانه از جمله مکان های محافظت شده تلقی میگردد. طالبان مسؤلیت حمله انتحاری در 21 می را بر شفاخانه نظامی در کابل به عهده گرفت که در اثر این

¹. از زمان که یوناما از سال 2007 بدین سو، تلفات افراد ملکی را به ثبت می رساند، ماه می مهلک ترین ماه برای افراد ملکی به شمار می رود، که به تعداد 368 فرد ملکی کشته شده بود، به تعقیب آن ماه جون با 360 فرد ملکی کشته شده در ردیف دوم قرار می گیرد. مهلک ترین ماه قبلی ماه اگست 2010 بود که به تعداد 350 فرد ملکی کشته شده بود زیرا جریان انتخابات قبلی در این ماه قرار داشت و نوعاً ماه خشونت تلقی می گردد.

حادثه شش نفر دانشجوی فاکولته طب کشته شدند و 23 نفر دیگر مجروح گردیدند. هیأت معاونت ملل متحد حمله دومی را بریک شفاخانه هنگام به ثبت رسانیده است که در 25 جون یک انتحار کننده مواد انفجاری اش را در شفاخانه ای در ولسوالی ازره ولایت لوگر منفجر نمود که 20 فرد ملکی را که در بین شان 13 طفل نیز حضور داشتند و در صف واکسین منتظر بودند را به قتل رسانید و 43 فرد ملکی دیگر را که اطفال و زنان را نیز شامل میشدند، مجروح ساختند.

استخدام اطفال در چوکات گروپ های مسلح از جمله نگرانی های عمده در شش ماه اول سال 2011 بود. در 1 می در ولایت پکتیکا، یک انتحار کننده ای 12 ساله که به حیث جوان ترین انتحار کننده تاهنوز به ثبت رسیده، سه نفر فرد ملکی را کشتند و 12 فرد ملکی را مجروح ساختند. هیأت معاونت ملل متحد استفاده از طبقه اناث در حملات انتحاری را یاد داشت نموده است، در تاریخ 4 جون، طالبان مسؤولیت حمله ای را به عهده گرفت که یک خانم 20 ساله انتحاری کاروان نیروهای بین المللی را در ولسوالی مرواره ولایت کنر مورد هدف قرار داد. در 26 جون در ولسوالی چار چینه ولایت ارزگان، یک دختر هشت ساله بعد از آنکه نا خود آگاه از ش به عنوان حمله کننده انتحاری استفاده شد به قتل رسید. شورشیان به دختر کوچک هدایت داده بود که یک بسته ای از مواد انفجاری را به طرف موتر پولیس بیاورد، با کنترل از راه دور مواد انفجاری را منفجر ساخت که منجر به کشته شدن طفل گردید و هیچ فردی دیگر در اثر این حادثه کشته و مجروح نگردید. بر اساس کشفیات هیأت معاونت ملل متحد، طالبان از تاکتیکهای استفاده می نماید تا افراد ملکی را به زور وادار نماید که از آنها حمایت کنند. بطور مثال، در ضمن وحشت که در اثر انفجارات مواد انفجاری تعبیه شده ایجاد می گردد، کشتارهای هدفمند و سایر حملات عمدی علیه افراد ملکی، استفاده طالبان مدام از تاکتیکهای تهدید آمیز مانند شب نامه ها، تهدید شفاهی، اختطاف و ایجاد پاسگاه های غیر قانونی، افراد ملکی را جبراً مجبور می گردانند تا از آنها حمایت کند. در ماه می سال جاری تهدید در مقابل افراد ملکی که ارتباط با دولت افغانستان داشتند در ولایات لوگر، نورستان، کنر، ننگرهار، سری پول و غور مشاهده گردیده که بنابر گزارش، نیروهای مخالف دولت افراد ملکی را اختطاف نموده اند، آزادی رفت و آمد مردم را محدود نموده و شب نامه های را که افراد ملکی اخطار داده شده بود تا از مقام و شغل شان استعفا دهند را پخش نموده بودند.

بر اساس کشفیات هیأت معاونت سازمان ملل متحد حال آنکه طالبان از پیشرفت های در زمینه کاهش تلفات افراد ملکی در شش ماه اول سال 2011 صحبت می کند چنانچه در چندین اعلامیه مطبوعاتی مربوط به طالبان که در ماه های اپریل و می نشر گردیده بود، مشاهده گردید، پیشرفت های مطابق با معیارهای حقوق بشر دوستانه بین المللی و کارهای هدفمند عملی بخاطر کاهش تلفات افراد ملکی صورت

نگرفته است.¹ طالبان مدام به شکل عمدی افراد ملکی را هدف قرار داده و به قتل رسانده است و نیز از سلاح های که تمیز بین افراد ملکی و نظامی ایجاد کرده نمی تواند، مانند مواد انفجاری که با فشار بر آن منفجر می گردد، استفاده نموده است. این مواد انفجاری تعبیه شده که دست ساز طالبان می باشد و مشابه با ماین های زمینی ضد پرسنل عمل می نماید بین اهداف ملکی و نظامی تمیز قایل نیست، بنابراین از جمله سلاح های غیر قانونی بشمار می رود. هرآن گروپی که از مواد انفجاری تعبیه شده ای که با اندک فشار منفجر می گردد استفاده می نماید با استفاده از سلاح و وسایل جنگی ممنوعه در حقیقت اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی و قانون افغانستان را نقض می کند.

در سال 1998، طالبان استفاده از ماین های زمینی ضد پرسنل را منع کردند و در بیانیه های استفاده از آنها را یک عمل غیر اسلامی و ضد اسلامی تلقی نمودند.² استفاده اعضای طالبان از ماین

¹. امارت اسلامی افغانستان، " اعلامیه مطبوعاتی شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان در مورد آغاز عملیتهای بهاری " 30 اپریل 2011 و امارت اسلامی افغانستان " عملیات 48 ساعته ای کندهار"، یک گزارش کامل در 10 می 2011. و هم چنان به آن بخش از گزارش که به بیانیه های مطبوعاتی طالبان در مورد تلفات افراد ملکی اختصاص یافته مراجعه گردد.

². اعلامیه مطبوعاتی امارت اسلامی افغانستان در مورد مشکلات ماین های زمینی، 6 اکتوبر 1998. 1. در سطح بین المللی، امارت اسلامی افغانستان دعوت به عمل می آورد تا تولید، تجارت، ذخیره و استفاده ماین های زمینی را بطور مجموع منع نماید و آماده هست تا فعالانه در این مورد هم کاری نماید. 2. در سطح ملی امارت اسلامی منع تولید، تجارت، ذخیره و استفاده از ماین های زمینی را اعلام می دارد و در مقابل مردم رنج دیده افغانستان و جامعه بین المللی خود را متعهد می سازد تا هرگز هیچ گونه ماین های زمینی را نسازد. 3. امارت اسلامی افغانستان از تمام گروپهای مخالف دعوت به عمل می آورد تا از استفاده، تجارت و ذخیره ماینهای زمینی جلوگیری به عمل بیاورد و به مردم دلیر و رنج دیده افغانستان بیشتر از این ضرر نرساند. 4. آنهای که در افغانستان به لحاظ اختلافات فردی، سیاسی و هر نوع اختلافی دیگر از ماین استفاده می کند مطابق مقررات اسلامی مجازات خواهد شد. 5. امارت اسلامی افغانستان از تمام کشورهای که معاهده اوتاوا را امضا نموده قدردانی کرده و بر کشورهای که تا هنوز این معاهده امضا نکرده تأکید می نماید تا به شکل فوری تولید، تجارت، ذخیره و استفاده از ماین های زمینی را توقف داده و به معاهده بین المللی اوتاوا احترام بگذارد. " امضا و مهر توسط خادم اسلام، امیر المومنین (مجاهد) ملا محمد عمر آخوند. " هیچ مدرکی نیست که طالبان این بیانیه را ملغاً نموده باشد. برای اطلاعات بیشتر به: "سایت نظارت بر ماین ها و سلاح های خوشه ای مراجعه گردد. <http://www.the-monitor.org/index.php/publications/display?url=lm/1999/afghanistan>

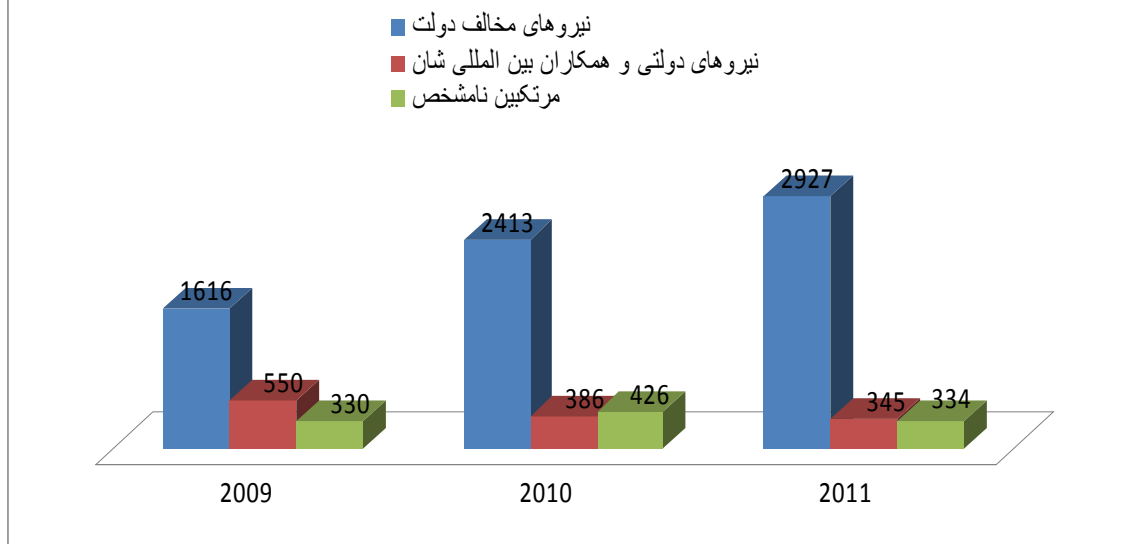
که با آوردن فشار منفجر می گردد در حقیقت اعلامیه منع استفاده از ماین ها توسط طالبان را نقض می کند.

انتقال مسؤلیت امنیت از نیروهای بین المللی به نیروهای افغان که در 20 جولای برنامه ریزی شده بود، در بعضی از بخش های کشور به تعقیب طرح رسمی برنامه پولیس محلی افغان صورت گرفت. هیأت معاونت ملل متحد مدام گزارش های مختلفی را از مقامات حکومتی و بزرگان جامعه در مورد برنامه پولیس محلی افغان اخذ نموده است که بی ثباتی در پروسه استخدام و بررسی و نگرانی های را در مورد نظارت، فرماندهی و کنترل پولیس محلی افغان مشاهده نموده است. بطور مثال در جون 2011 اعضای شورای ولایتی، بزرگان قوم، اعضای شورای ولسوالی و سایر اقشار در جامعه از ولایت لغمان گزارش داده است که این پروسه توسط زورداران یا دلان قدرت در سطح ولسوالی کنترل شده بود و دیدگاه شان به این پروسه طوریکه که با یک میکانیزم مشخص قومندانهای سابق جهادی که قبلاً توسط حکومت و جامعه بین المللی خلع سلاح شده بودند را دوباره مسلح می کنند. بعضی از صحبت کننده گان با این نظر هستند که این یک پروسه خوبی هست تا از نفوذ شورشیان در سطح قریه جات جلوگیری به عمل آید در حالیکه یک عده دیگر نگرانی های جدی شان را در باره اینکه این پروسه ممکن عامل برای بازگشت جنگ سالاری، سوء استفاده از قدرت و افزایش جرایم گردد، بیان داشته اند.

در ولسوالی مارجه ولایت هلمند بزرگان قوم به هیأت معاونت ملل متحد بیان داشته است که هرچند پولیس محلی افغان در حال دفاع علیه حضور دوباره طالبان می باشد ولی این خیلی زود است که بر کارکرد پولیس محلی و اینکه آیا اینها قادر خواهد بود تا در طولانی مدت ثبات وضعیت امنیتی را تحکیم بخشد، قضاوت کرد.

تمام عناصر پولیس محلی افغان ضرورت دارد تا از طرف وزارت داخله و آن نیروهای بین المللی که بالای این پروسه کار می کنند، شدیداً نظارت گردد. کنترل و فرماندهی قوی و عمل سریع در مقابل اعمال جرمی آنها نیز ضروری می باشد زیرا باید اطمینان حاصل گردد که این برنامه باعث محافظت بیشتر افراد ملکی گردد نه اینکه محافظت افراد ملکی کاهش بیابد.

افراد ملکی کشته شده و مجروح در شش ماه اول سال 2011



هرچند موضوع انتقال مسؤلیت های امنیتی به نیروهای امنیتی افغانستان در سه ولایت و چهار شهر داری در 20 جولای رسماً آغاز گردیده است. در بعضی از بخش های متأثر از جنگ در افغانستان، نیروهای بین المللی عقب نشینی از پایگاه های نظامی و پاسگاه های دورافتاده ای شان را بطور مثال از بعضی از ولسوالی های ولایت کنر در سال 2010 آغاز کرده است، هیأت معاونت ملل متحد نگرانی های را در مورد محافظت حقوق بشر به تعقیب این عقب نشینی ملاحظه نموده است.

در شش ماه اول سال 2011، هیأت معاونت ملل متحد تلفات افراد ملکی را که ناشی از عملیات های ضد شورشی بوده و توسط نیروهای پاکستانی در مربوطات اداره فدرالی قبایل نشین که سرحدات ولایت کنر و ننگرهار را تشکیل می دهد صورت گرفته را به ثبت رسانیده است. این عملیاتها منجر به تلفات افراد ملکی و بی جا شدن افراد ملکی افغانستان گردیده است. مقامات دولتی در کنر تأیید نموده که بین 15 - 30 جون، 289 گلوله توپ از طرف پاکستان فیر گردید که در ولسوالی های شیغل، سیرکانی، ناری، دانگام و اسمار اصابت نمودند. در مجموع 14 نفر به شمول 8 طفل به قتل رسیده و 16 نفر دیگر زخمی گردیدند. هم چنان مقامات در ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار فیرهای گلوله توسط پاکستان در ماه های اخیر را که در اثر آن 2000 فرد ملکی بیجا شده است را گزارش داده است. کنترل ناکافی نیروهای امنیتی افغان از ساحات سرحدی، حوزه فعالیت های شورشیان را پهن تر کرده و ضرورت عملیات ها را علیه شورشیان افزایش می دهد که این موضوع غالباً افراد ملکی را نیز آسیب می رساند.

با کاهش امنیت افراد ملکی در جریان شش ماه اول سال 2011، افراد ملکی مکان های اندکی را برای پناهگاه و محافظت پیدا نمودند. افراد ملکی بطور روز افزون زمان که بین دو طرف درگیر در

منازعه قرار می گیرند مورد تهدید قرار گرفته اند، و نیز بنا بر خواسته‌های طرفین درگیر، با تهدید و خشونت در معرض جنگ و رقابت قرار گرفته و بدون توجه به انتخاب خود آنها که کدام طرف را حمایت کند، غالباً حق انتخاب از آنها گرفته شده است. چنان چه یک فرد ملکی از ولسوالی مارجه ولایت هلمند به هیأت معاونت ملل متحد گفت: "طالبان در هر خانه ای که دلش بخواهد به زور وارد می شود، بعد آنها از این خانه بالای نیروهای اردوی ملی افغانستان و نیروهای خارجی آتش می گشاید، بعد نیروهای که بالای شان فیر صورت گرفته به عکس العمل مشابه دست زده و بر خانه فیر می کند. اما اگر من به طالبان بگویم که در خانه وارد نگرده، طالبان مرا می کشد. پس پاسخ چه می تواند باشد؟ زیرا، یا آیساف مرا می کشد و یا هم طالبان مرا می کشد. مردم که نمی تواند چنین زندگی کند." ¹

درکشتن و مجروح ساختن افراد ملکی مهم نیست که کیها مسؤل هستند، چیزی که قابل نگرانی هست همانا تأثیر غم انگیز و دیرپای هست که حادثه بالای اعضای خانواده قربانیان و جامعه بجا می گذارد. افراد ملکی فقط زمان برنده خواهد بود که تلفات افراد ملکی در سراسر افغانستان کاهش بیابد. هیأت معاونت ملل متحد از نیروهای مخالف دولت و نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان می خواهد تا کارهای بیشتر را انجام دهد تا به افراد ملکی احترام گذاشته و محافظت افراد ملکی را افزایش دهد و به شکل کامل مسؤلیتهای قانونی شان را مدنظرگرفته تا تلفات افراد ملکی و آسیب رساندن به مردم ملکی را به حد اقل رساند.

در ضمیمه 1، هیأت معاونت ملل متحد به بیانیه طالبان در مورد اعلامیه مطبوعاتی 11 جون هیأت معاونت ملل متحد که به تعداد 368 فرد ملکی کشته شده را در ماه می به ثبت رسانیده بود و 80 درصد آن به نیروهای مخالف دولت نسبت داده شده بود، پاسخ می دهد. طالبان بیانیه ای را در 12 جون به نشر رسانید، تلفات افراد ملکی را انکار کرده بود و نیز یک لیست از حوادث را تهیه کرده بود که گویا آن حوادث در گزارش هیأت معاونت ملل متحد گنجانیده نشده بود. یوناما چگونگی حوادث فرستاده شده را بررسی نمود و پاسخ شان را به طالبان فرستاد که در این پاسخ به هریک از حوادث جواب گفته شده بود و تحقیقات و گزارش های هیأت معاونت ملل متحد را در مورد حوادث تأیید نمودند.

¹. مصاحبه هیأت معاونت ملل متحد با افراد ملکی در ولسوالی مارجه، جون 2011.

پیشنهادات

یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در گزارش سالانه ای 2010 شان در مورد محافظت از افراد ملکی اقدامات کلیدی را جهت افزایش محافظت افراد ملکی به اطراف درگیر پیشنهاد نموده بودند. طرفین درگیر پیشنهادات را بطور کامل انجام ندادند. یوناما بار دیگر پیشنهادات زیر را ضمیمه و مطرح می سازد:

خطاب به نیروهای مخالف دولت

- با پیروی از اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی که شامل اصول تناسب، تمیز و احتیاط می شود، از تلفات افراد ملکی جلوگیری به عمل آید.
- فرد ملکی را طوری باید تفسیر نمود که همسان و مطابق با حقوق بشر دوستانه بین المللی باشد.
- توقف فوری هدف قرار دادن افراد ملکی، افراد که از هر نوع حمله بر مبنای مقررات بین المللی محافظت گردیده اند. فرمانهای که حمله بر افراد ملکی و کشتن افراد ملکی را اجازه می دهد، پس گرفته شود.
- توقف فوری حملات بر شفاخانه ها.
- توقف فوری استفاده از ماین های کنار جاده که با اندک فشار منفجر می گردد. اعضا در استفاده از آن منع گردد و در بند کردن استفاده از این نوع سلاح های غیر قانونی که بدون تمیز انسان می کشند، به شکل همگانی تعهد صورت گیرد. منع استفاده از ماین های زمینی که در سال 1998 توسط طالبان اعلام گردیده بود، برآن تعهد مجدداً به شکل همگانی تأکید نموده و بر تمام اعضا، آن ممنوعیت را تقویت ببخشد.
- لایحه یا رهنمودهای که به اعضا هدایت می دهد تا حملات بر افراد ملکی را انجام ندهد و آن اعضای که افراد ملکی را می کشند و مجروح می سازند را پاسخ ده نگه می دارد، تطبیق و اجرا گردد.
- بر قراری ارتباط با هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان، در قالب گفتگو و شریک ساختن معلومات در مورد تلفات افراد ملکی.

خطاب به نیروهای حکومت افغانستان

- یک اداره دایمی، مسلکی و قدرتمند در چوکات حکومت ایجاد گردد تا حادثات منجر به تلفات افراد ملکی را تحقیق نموده، پاسخ داده و گزارش نماید.

- یک گروه ردیابی تلفات افراد ملکی مشابه به اداره ردیابی تلفات افراد ملکی در آیساف ایجاد گردد تا تمام حادثات منسوب به نیروهای امنیتی ملی افغان که منجر به تلفات افراد ملکی می گردد را به شکل مطلوب و بموقع تعقیب کند، این گروه درسهای که از حادثات گرفته می شود را فراهم ساخته تا حوادث ناخوشایند دوباره تکرار نگردد، روحیه محافظت از افراد ملکی، جبران خسارت و پاسخ دهی را تقویت ببخشد.

- اقدامات را با هماهنگی نیروهای نظامی بین المللی توسعه داده و اجرا نمایند تا افراد ملکی را که مورد هدف قرار می گیرند و یا حمله بالای شان صورت می گیرند را، محافظت نماید.

- از آموزش مطلوب تمام نیروهای امنیتی افغان اعم از پولیس و ارتش در قالب آموزش تمام اساسات حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر، اطمینان حاصل گردد. همچون آموزش الزامی بوده و در برنامه های آموزشی تمام نیروهای امنیتی افغان شامل گردد.

- پولیس ملی افغان را برای کنترل اجتماعات به طور شایسته آموزش داده و مجهز نمایند. پولیس ملی افغان باید به وسایل بدیلی مجهز گردد تا پولیس دیگر یک نیروی کشنده نباشد. از آموزش کافی با معیارهای قانونی و تطبیق همچون بدیل ها اطمینان حاصل گردد.

خطاب به نیروهای نظامی بین المللی

- در جریان طرح و اجرای عملیات های نظامی، تمام اقدامات احتیاطی ممکن برای حد اقل رساندن و جلوگیری از تلفات تصادفی افراد ملکی و تخریب اهداف ملکی مد نظر گرفته شود. تمام رهنمود های جدید بطور کامل و هرچه عاجل مورد تطبیق قرار بگیرد.

- از آموزش مطلوب پرسنل هلی کوپترها بر مبنای رهنمودهای تاکتیکی در زمان که از نیرو استفاده می گردد و از اجرای رهنمودهای تاکتیکی در زمان که از هلی کوپترها در مأموریت های حمایت از حملات جنگی استفاده می شود، اطمینان حاصل گردد. دلایل اینکه چرا تلفات افراد ملکی بواسطه هلی کوپتر های اپاچی روند صعودی داشته، بررسی گردد و تغییرات بوجود بیاید تا محافظت افراد ملکی بهبود یابد.

- رهنمود تاکتیکی حملات شبانه، نشر 23 جنوری سال 2010 بازنگری گردد، در مورد تمام حملات شبانه از الزامی بودن و غیر اختیاری بودن تمام عناصر رهنمود بدون استثناً اطمینان حاصل گردد. در صورت تهیه هر نوع رهنمود جدید در مورد حملات شبانه بنابر تداوم تلفات افراد ملکی در اثر این نوع حملات، رهنمود باید بیشتر محدود کننده باشد. تمام حملات شبانه با هدایت و رهبری نیروهای امنیتی افغان صورت گیرد. که این همان هدف نهایی است که عملیات ها در یک قلمرو بدست صاحبان آن قلمرو باید انجام شود.

- از آموزش مناسب نیروها در ارتباط به تاکتیک های (ایسکلیشن اف فورس) یعنی افزایش تدریجی عکس العمل نیروها در مقابل یک پدیده مظنون، تکنیک ها و طرز العمل های که رویه ای عملیات معیاری را در مورد ایسکلیشن اف فورس نیز شامل میگردد، اطمینان حاصل گردد. محل بازرسی و نیروهای واکنش سریع با وسایل بدیل مجهز گردد که این نیروها دیگر کشنده تلقی نگردد. آگهی ها توسط وسایل همگانی بخصوص توسط رادیو اجرا گردد تا اطمینان حاصل گردد که افراد ملکی از طرزالعمل و شیوه کار بازرسی ها و کاروان نظامی بطور مناسب، مطلع گردد.